

پیدایش نوروز

علی نقی بهروزی

«جم» پادشاه کیانی از شاهنشاهان هوشمند است که منابع و فنون بسیاری را به مردم آموخت که از آن جمله است لباس پوشیدن، خانه ساختن و نجاری و آهنگری و زراعت و آنگاه مردم را به چهار طبقه قسمت کرد:

اول - روحانیون که ارشاد مردم را عهددار بودند و آنها را «کاتوزیان» نامید.

دوم - لشکریان که حافظ امنیت و مرزهای کشوراند و ایشان را «نیساران» نامید.

سوم - کشاورزان که زراعت کنند و نان مردم را فراهم آورند و ایشان را

«نسودی» نامید.

چهارم - پیشه وران که حوائج مردم را بر آورند و ایشان را «اهنو خوشی» نامید. و بدین ترتیب حدود و وظائف هر طبقه و صنفی را مشخص ساخت آن گاه بدان فکر افتاد که برای «ملت ایران» جشنی ترتیب دهد و روزی را به عنوان «عید ملی» مقرر دارد تا نمودار پیشرفت های ملت ایران باشد. و در آن روز همه افراد، از رنج کار و زحمت فراغت یابند. در عیش و عشرت بکوشند، با دید و بازدید با هم در آمیزند و دلتنگی ها را دور بریزند و بر مهر و محبت خود بیفزایند.

«جم» دستور داد تا بهترین روزهای سال را برای این کار انتخاب نمایند. از این رو «اولین روز بهار» که آغاز فروردین و سال بود، آن وقتی که شب و روز مساوی و هوا در حال اعتدال بود و به گفته شیخ اجل سعدی «صولت برد آرمیده و درختان به خلعت نوروزی مزخلم بودند و اطفال شاخ به یمن قدوم سال نو، تاج شکوفه بر سر نهاده بودند»

انتخاب گردید.

پادشاه دستور داد که بامداد آن روز، پیش از برآمدن خورشید، همه اصناف و طبقات در میدان بزرگ جلو کاخ شاهنشاهی حضور یابند تا مراسم آغاز جشن از طرف پادشاه به عمل آید.

از این رو بامداد پگاه کلیه اعیان و اکابر، افراد کشوری و لشکری، موبدان و درباریان، همه با لباس فاخر در میدان مزبور حضور به هم رسانیدند.

هنوز آفتاب طلوع نکرده بود، که پادشاه در حالی که لباس فاخر سلطنتی که به انواع گوهر آراسته بود در بر و تاج شاهنشاهی را که با درّ و مروارید و اقسام جواهر دیگر مکمل بود، بر سر، بر تخت مرصع سلطنتی جلوس نمود.

در این موقع خورشید طلوع کرد و اشعه آفتاب بر آن همه جواهر الوان و مروارید غلطان لباس و تاج «جم» تابید و انعکاس و انکسار نور خورشید چنان تلولو و درخشندگی داشت که چشم حضار را خیره نموده و به همین جهت همه مردم، به عنوان ترحیب و شادباش فریاد برآوردند که «جم - شید» یعنی جم درخشید و از آن روز نام آن پادشاه از «جم» به «جمشید» مبدل شد و آن روز را «روز نو» یا «نوروز» و همه ساله به یاد آن روز فرخنده جشن گرفتند.

چنان که فردوسی فرماید: گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به نوروز نو، شاه گیتی فروز

به جمشید بر، گوهر افشانند

بر آن تخت بنشست فیروز روز

مر آن روز را «روز نو» خواندند